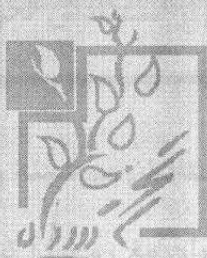
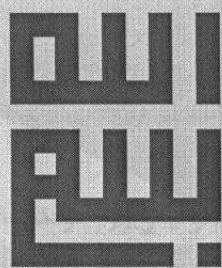
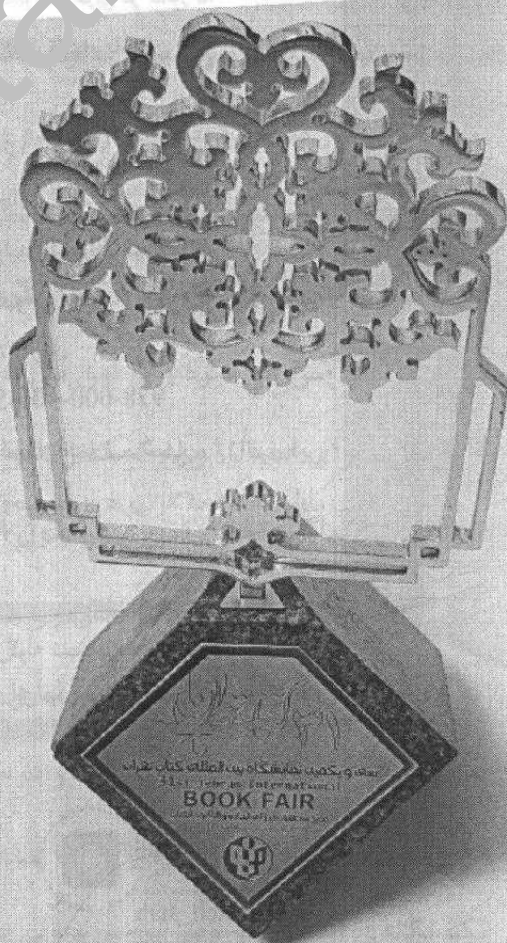


۲۰۷۵۱۲۱



تحایل پرسش‌های عربی
در تنکور ۹۵
گروه مؤلفان تخته‌سیاه

افتخاری دیگر از انتشارات
تخته‌سیاه در سطح یکمین
نمایشگاه بین‌المللی کتاب





عنوان و نام پدیدآور : تحلیل پرسش های عربی در کنکور ۹۵ / گروه مؤلفان تخته سیاه.
مشخصات نشر : تهران : تخته سیاه، ۱۳۹۸.
مشخصات ظاهری : ۶۷ ص؛ ۲۲×۲۹ س.م.
شابک : ۹۷۸-۶۰۰-۴۰۶-۵۲۳-۸
وضعیت فهرست نویسی : فیبای مختصر
شناسه افزوده : انتشارات تخته سیاه
شماره کتابشناسی ملی : ۶۰۰۴۴۲۰

تحلیل پرسش های عربی در کنکور ۹۵
گروه مؤلفان تخته سیاه
تخته سیاه
اول ۱۳۹۸
جلد ۱۰۰۰
گروه تولید انتشارات تخته سیاه
عبدالله فتوحی
۱۰۰۰۰۰ سال
978-600-406-523-8
تهران، میدان انقلاب، خیابان ۱۲ فروردین
خیابان وحید نظر، عربی پلاک ۹۹، طبقه اول

نام کتاب
مؤلف
ناشر
چاپ
تیراژ
تایپ و صفحه آیی
ناظر چاپ
قیمت
شابک
دفتر مرکزی

کلیه ی حقوق این اثر متعلق به انتشارات تخته سیاه است و هرگونه نسخه برداری و برداشت به هر صورت و شیوه به موجب بند ۵ از ماده ی ۲ قانون حمایت از ناشران تحت پیگرد قانونی قرار می گیرد.



Takhteh_siah



۶۶۴۰۰۳۰۰ - ۶۶۴۰۰۳۰۰



۳۰۰۰۴۸۴۶



۱۳۱۴۵-۴۳۴

مقدمه ناشر

می‌دونم، کتاب خاطرات یک مُغ نوشته‌ی کوئیلو رو خوندید؟...

اگه نخوندین باید خدمتون عرض کنم که اولاً، ماجرای این کتاب واقعیه و برای نویسنده این کتاب اتفاق افتاده و زندگی اونو متحول کرده و دویمً نویسنده‌ی این کتاب عضو یه فرقه‌ای به نام رام بوده که توی این فرقه با توجه به پیشرفتهای معنوی هر فرد به اون درجاتی داده می‌شه که اسم یکی از این درجه‌ها «مغ» بوده و سیماً داستان از زمانی شروع می‌شه که به کوئیلو خبر می‌دن مفتخر به دریافت لقب «مغ» در فرقه‌ی رام شده و لازمه برای برگزاری مراسم مربوطه به غاری واقع در قلعه‌ی یه کوه مراجعه کنه و اونجا طی مراسمی شمشیری رو از استادش تحویل بگیره و لقب مغ رو به دست بیاره.

خلاصه در دستتون ندیم، کوئیلو که به غار می‌رسه در مقابل استادش می‌شیننه و استادش یک شمشیر رو در مقابل کوئیلو قرار می‌ده و می‌شه تو افتخار کسب عنوان مغ رو پیدا کردی و کوئیلو با خوشحالی شمشیر رو از دست استادش می‌گیره اما استاد یکباره برافروخته می‌شه و می‌گه تو لایق کسب این عنوان نیستی، چون غرور به تو مستی نداده زود شمشیر رو گرفتی، بعد شمشیر رو از کوئیلو پس می‌گیره و به اون می‌گه اگه می‌خوای اثبات کنی که لیاقت دریافت این شمشیر رو داری باید برای اسپانیا و به کمک راهنمایی به نام پطروس یک جاده‌ی طولانی و قدیمی به نام جاده‌ی سانتیاگو را طی کنی و در طول این جاده مجدداً شمشیرت رو پیدا کنی و «مغ» شی! و این طوری میشه که کوئیلو برنامه‌هاش رو جفت و جور می‌کنه و می‌ره جاده‌ی سانتیاگو....

در تمام طول سفر، کوئیلو مرتباً با وقایع و اتفاقات مختلفی مواجه می‌شه و هر بار به کمک پطروس به مشکلاتش فائق می‌یاد و درس جدیدی از زندگی رو به اندوخته‌هاش اضافه می‌کنه. درس مبارزه با ترس، مبارزه با مرگ و ... و در تمام طول سفر پطروس منتظر این بوده که کوئیلو به یک نکته‌ی اساسی و مهم پی بیره ولی متأسفانه کوئیلو فقط و فقط به دنبال شمشیرش بوده و به چیز دیگه‌ای بجز اون فکر نمی‌کرده و هربار، در طول هر کدام از مبارزه‌هایی که می‌کرده فقط به

فکر این بوده که شمشیر کجاست و آیا بعد از این مبارزه شمشیر رو پیدا می‌کنه یا نه، سفر کوئیلو چند ماه طول می‌کشه و نهایتاً در انتهای سفر و زمانی که شمشیر رو در دست می‌گیره متوجه می‌شه که اتفاق چندان مهمی رخ نداده و تازه به مهمترین نکته‌ی سفر پی بره....

کوئیلو متوجه می‌شه که هدف راه بوده نه شمشیر، اصل ماجرا این بوده که کوئیلو بیاد تو جاده‌ی سانتیاگو، مسیری طولانی رو طی کند و چیزهای مهمی رو یابد بگیره. چیزهایی که باعث شد کوئیلو بعد از سفر، زمین تا آسمون با کوئیلوی قبل از سفر تفاوت پیدا کنه در واقع تو دست گرفتن اون شمشیر، ارزش چندان نداشته و نکته‌ی مهم آموزش‌های زمان سفر بوده... و کوئیلو چقدر دیر این مطالب رو می‌فهمه....

آقا: به نظر شما ما قریب می‌شیم...

- اگر امسال قبول نشویم چی...

- این همه درس می‌خونیم مع نوم نیست آخرش چی می‌شه...

این حرفها رو که می‌شنوم فکر می‌کنم اخه تا کی باید این قدر هدف‌گرا باشیم، یعنی فقط مهمه که تو بری دانشگاه مهم نیست چه جری... مهم نیست تو این راه یکساله چه درسهایی از زندگی می‌گیری، این همه تجربه که پیدا می‌کنی، این همه تفاوت که تو زندگیت بوجود می‌یاد، همه و همهمش با قبول شدن یا نشدن تو ارزش پیدا می‌کنه. نه دوست عزیز، تو هم تو اشتباهی، چشمهاتو باز کن، فقط دنبال شمشیرت نباش. هدف راهه، راه...

مهم اینه که تو چه جوری این یکساله‌ی تا کنکور تو طی می‌کنی، نه این مسیر یکساله چه

چیزهایی یاد می‌گیری، چقدر تعالی پیدا می‌کنی و چقدر انسان‌تر می‌شی....

مهم فقط اون ۳ ساعت سر جلسه‌ی کنکور و نتیجه‌ی بعدش نیست اگه دوست داری تموم

استرس‌های کنکور تو کنار بذاری اگر دوست داری با آرامش این مدت رو بگذرونی، باید باور کنی

مهمترین نکته اینه که راهپیمایی قشنگی داشته باشی، مطمئن باش تو این راه یکساله اونقدر جا

برای تغییر تو هست که ارزشش از قبولی تو هر رشته‌ای بیشتر باشه... مطمئن باش...

مدیر مسئول